

داستان چاه زیر اتاقک چوبی

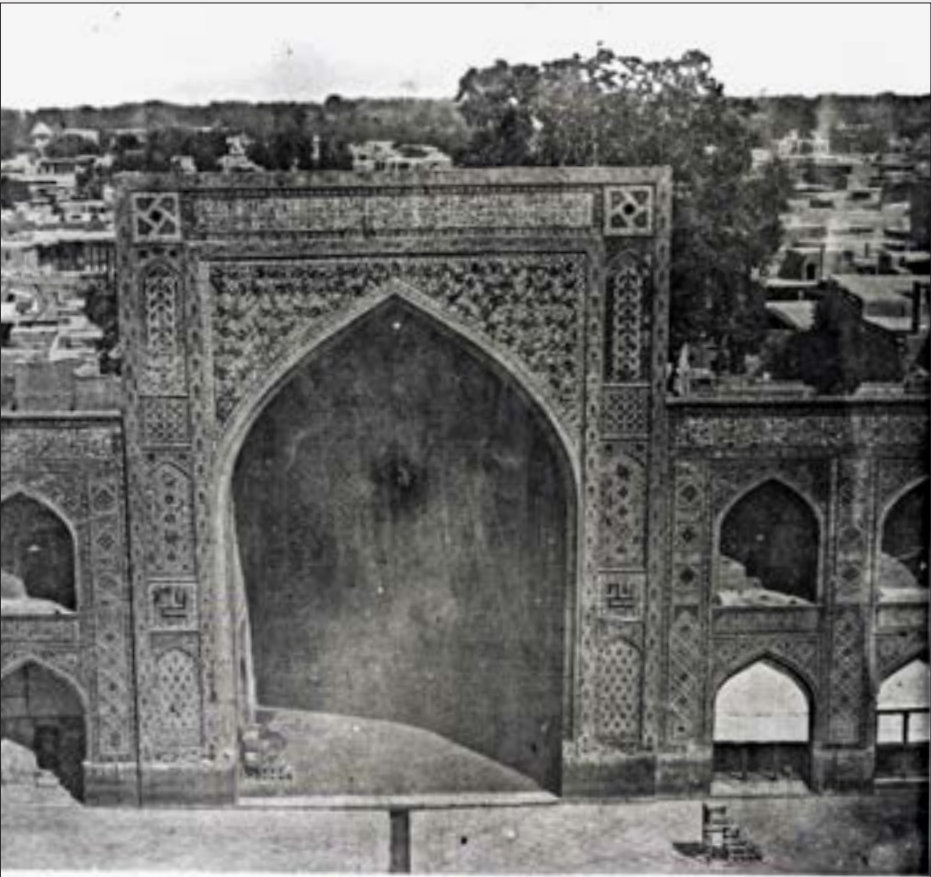


مرضیه ترابی| تأمین آب در حرم مطهررضوی همیشه یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌ها در حوزه تکریم زائران بوده است. شکل گرفتن شهر مشهد بر بستر اراضی روستای قدیمی سناباد و رشد سریع آن، باعث شده است که زیرساخت‌های آبی برای جمعیت روزافزون زائران و مجاوران کافی نباشد. به‌همین دلیل در طول تاریخ، افرادی مانند ابوالحسن عراقی دبیر، سوری بن معزز، امیرعلیشیرنواپی، نیرالدوله و... کوشیده‌اند با تزریق آب قنات‌های اطراف مشهد به محدوده حرم مطهررضوی و اطراف آن، مشکل تأمین آب را تا حدودی مرتفع کنند. به‌دیگرسخن، تأمین آب موردنیاز حرم مطهررضوی از طریق قنات، به‌عنوان یک فناوری کارآمد، بومی و باقابلیت توسعه مناسب، از همان ابتدا در دستورکار بوده است و اگر نمی‌توانسته‌اند اصل آب قنات را –مانند آنچه که نادرشاه در مورد آب قنات حصار گلستان انجام داد و آن را به داخل صحن کهنه آورد– به حرم مطهررضوی برسانند، با استفاده از وسایل قدیمی انتقال آب، از جمله سقاها و گاری‌های آبکش، آب گوارا و باکیفیت را به این مکان مقدس می‌رسانده‌اند؛ بالین حال، استفاده از این روش همیشه ممکن نبوده است. در برخی سال‌ها خشک‌سالی به‌سراغ مشهد و مناطق هم‌جوار آن می‌آمده و باعث افت آبدهی قنات‌ها می‌شده است. در این وضعیت، عملاً نمی‌شده است روی قنات یا چشمه به‌عنوان منبع تأمین آب موردنیاز در حرم مطهررضوی حساب کرد و مسئولان امر باید فکر دیگری می‌کرده‌اند. استفاده از چاه آب، از این زمان به‌عنوان یک راهکار جایگزین در دستورکار قرار گرفته است. مشهد به‌دلیل قرار گرفتن بر روی دشت آب‌رفتی و جلگه‌ای، ذخایر آب زیرزمینی مناسبی داشته که می‌شده است با حفر چاه به آن‌ها دسترسی پیدا کرد. هرچند بهره‌برداری از آب چاه برای آب‌رسانی به خیل زائران کار ساده‌ای نبوده، اما از طرفی شیوه جایگزین دیگری هم وجود نداشته است.



تصویر توسط عبد... قاجار در عهد ناصری و بین سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۳ قمری گرفته شده است، منبع: الیوم ۱۴۲۹ کاخ موزه گلستان

چشم‌انداز ۱۳۴سال پیش «ایوان آب»



مرضیه ترابی| در قدیم نام گذاری مکان‌ها، به‌ویژه مکان‌های مذهبی، از ساختار رسمی تبعیت نمی‌کرد و تابع کلام عموم مردم بود. آحاد جامعه بر اساس یکی از شاخص‌های موجود در بنایا مکان، برایش اسمی انتخاب می‌کردند که به‌تدریج عمومیت می‌یافت و کسی با آن از در مخالفت بر نمی‌آمد. برخی از این نام‌ها برای قرن‌ها باقی مانده و امروز به‌دست‌ما رسیده‌اند. وضعیت اماکن متبر که حرم‌رضوی نیز کم‌وبیش چنین بوده است. صرف‌نظر از برخی ابنیه خاص، مانند «دارالسیاده»، که از همان ابتدا به‌دلایل خاص، نام‌ویژه داشتند، بقیه قسمت‌ها با اسمی برگزیده عموم شناخته می‌شدند. مسجد گوهرشاد نیز از این قاعده مستثنا نبود، هرچند که این مسجد تاریخی و باشکوه، تا همین چند دهه قبل، ساختار اداری مجزایی نسبت به حرم مطهر رضوی داشت. شبستان‌ها و ایوان‌های بنای یادگار گوهرشاد بیگم، در شش قرن گذشته با نام‌ها و عنوان‌های مختلفی شناخته شده‌اند. ایوان غربی مسجد که به‌سمت بازار بزرگ مشهد قرار داشت و در واقع دیوار به دیوار آن بود، تقریباً از دوره صفویه به این سو و بعد از اتصال قنات مهدی قلی بیگ به مسجد، با نام «ایوان آب»، شناخته می‌شد، نامی لطیف که در برگزیده واقعیتی تاریخی بود. در تصویر امروز از اماکن متبر که حرم‌رضوی، نمایی قدیمی از ایوان آب را می‌بینید. عکس را آقا رضا عکاس باشی گرفته است و امروزه در آلبوم شماره ۱۴۲ مجموعه کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود. تاریخ عکاسی دقیقاً معلوم نیست، اما با توجه به سال قتل آقا رضا، باید آن را مربوط به پیش از ۱۲۶۹ خورشیدی بدانیم؛ یعنی عمر این عکس دست کم بیش از ۱۳۴ سال است. در عکس می‌توان نهر کوچکی را که از ایوان آب خارج شده است تا بعد از گردش به دور محوطه، «مسجد پیرزن» (در محدوده حوض بزرگ فعلی) از مسجد پیرن پرود و به اراضی زراعی شرق مشهد برسد، مشاهده کرد. افزون بر این‌ها تصویر امروز چند ویژگی خاص دیگر را هم در حرم مطهر رضوی و مشهد قدیم، به‌نمایش می‌گذارد، نخستین ویژگی، تعدد منبرها در محوطه صحن مسجد است که نشان می‌دهد جلسات وعظ و سخنرانی متعددی در مسجد برگزار می‌شد و این شاید به‌دلیل محدود بودن فضای صوتی در آن دوران بود. دومین ویژگی جالب و بررسی‌پذیر، چشم‌انداز خیره‌کننده و چشم‌نواز پشت ایوان آب است، در افاق تصویر، می‌توان باغ‌های گسترده محلات بالاخیابان و سراب را دید. عکاس برای برداشتن عکس، بر فراز ایوان شرقی مسجد گوهرشاد رفته است تا موقعیت دقیق‌تری در برابر ایوان آب و داخل و خارج محدوده آن داشته باشد.

تکاهی به شکل گیری جمعیت «شیر و خورشید سرخ» که بعدها «هلال احمر» شد

میراث امیرخان امیراعلم



دکتر امیراعلم در حال مداوای یکی از مجروحان پس از فتح تهران در جریان انقلاب مشروطه تابستان ۱۲۸۸ خورشیدی

حسین بیات| در تابستان ۱۸۵۹ میلادی یک تاجر سوئسی به نام «هانری دونان»، شاهد نبرد سربازان اتریشی و نیروهای ایتالیایی و فرانسوی در روستای سولفرینو در شمال ایتالیا است. او می‌بیند که بسیاری از مجروحان، بدون دریافت کمک‌های درمانی دارند جان خود را از دست می‌دهند، در حالی‌که اگر کمترین خدمات درمانی مؤثری در میان می‌بود، اغلب آن‌ها زنده می‌ماندند. او پس از جنگ، خاطرات خود را در قالب کتاب «یک خاطره از سولفرینو»، در سال ۱۸۶۲ میلادی منتشر می‌کند و با اشاره به وضعیت مجروحان، پیشنهاد تشکیل «مرکز امدادرسانی» به آنان را مطرح می‌کند. این طرح در جریان هم‌اندیشی بین‌المللی ژنو در اکتبر ۱۸۶۳ میلادی با موافقت شرکت‌کنندگان همراه و «کارگروه بین‌المللی صلیب سرخ» با علامت یک صلیب سرخ و پس‌زمینه سفید تأسیس می‌شود.

بعدها در سال ۱۸۷۶ میلادی دولت عثمانی علامت «هلال سرخ‌رنگ» را با زمینه سفید و دولت قاجار نیز در سال ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۱ خورشیدی) علامت شیر و خورشید سرخ را برای تشکیلات داوطلبانه خود برمی‌گزینند. شش سال بعد این دو علامت در هم‌اندیشی دیپلماتیک ژنو سال ۱۹۲۹ میلادی به رسمیت شناخته می‌شود. پس‌از آن، دولت‌های اسلامی علامت «هلال سرخ» را به‌عنوان نماد خود انتخاب می‌کنند؛ البته این علامت در ایران بعد از پیروزی انقلاب جایگزین شیر و خورشید سرخ می‌شود.

هدف صلیب سرخ، اطمینان از حفاظت و کمک به قربانیان نبردهای مسلحانه، از طریق اقدام مستقیم در سراسر جهان و تشویق برای رعایت قوانین بین‌المللی و بشردوستانه و ترویج پاسداشت این قوانین در میان دولت‌ها بوده است.

در خلال جنگ جهانی اول، کارگروه بین‌المللی صلیب سرخ، براساس تجربه جنگ‌های قبلی، با تأسیس آژانس مرکزی اسیران جنگی، رابط سربازان اسیر و خانواده‌های آنان می‌شود؛ البته با توجه به نیاز جوامع به صلح و امید برای ایجاد نظم جهانی، نقش صلیب سرخ پس از جنگ قدری تغییر پیدا می‌کند. اما به‌هر ترتیب این کارگروه در طول جنگ جهانی دوم فعالیت‌های خود برای حمایت از قربانیان و کمک به آنان گسترش می‌دهد. کارگروه با کمک اتحادیه انجمن‌های صلیب سرخ کشتی امدادرسانی خود را به نفع زندانیان و غیرنظامیان به حرکت درمی‌آورد و با بازدید از اسیران جنگی پیام‌های آنان را مبادله می‌کند. بعد از سال ۱۹۴۵ میلادی و پایان جنگ عالم‌گیر دوم کارگروه همچنان ممبرانه از ولت‌ها می‌خواهد قوانین بشردوستانه را تقویت کنند. در سال ۱۹۴۹ میلادی برای بازنگری در سه‌ماده کنوانسیون ژنو (حمایت از قربانیان جنگ‌های دریایی، اسیران جنگی و بیماران و مجروحان مناطق جنگ‌زده)، توافق‌هایی به‌عمل می‌آید و بند چهارمی با عنوان «حفاظت از غیرنظامیان در مناطق زیر یوغ دشمن» به آن اضافه می‌شود.

اکنون سازمان صلیب سرخ و هلال احمر با ۱۸۸ کشور عضو، بزرگ‌ترین شبکه بشردوستانه جهان را تشکیل می‌دهد که با توجه به موریت آن، تسکین رنج‌های بشر، حفاظت از زندگی و سلامت انسان‌ها و پاسداشت کرامت آن‌ها در نزاع‌ها و شرایط اضطراری است. این سازمان‌ها پایبند به اصول هفت‌گانه‌ای هستند که عبارت‌اند از بشردوستی، بی‌طرفی، بی‌غرضی، استقلال، خدمات داوطلبانه، یکپارچگی و جهان‌شمولی.

● تأسیس سازمان‌های داوطلبانه در ایران

در دوره ناصرالدین شاه، تلاش‌هایی برای پیوستن ایران به صلیب سرخ صورت می‌گیرد و قرارداد راه‌اندازی صلیب سرخ (شیر و خورشید سرخ) در ۱۲۱۴ و ۱۲۵۳ خورشیدی امضا می‌شود، اما با وجود این تا سال ۱۳۰۱ خورشیدی که جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تأسیس می‌شود، به‌صورت عملی هیچ سازمانی در ایران مسئول اجرای مفاد این کنوانسیون نیست.

در آن دوره، تنها می‌توان به تلاش‌های انسان دوستانه و پراکنده اشخاصی مانند دکتر امیرخان اعلم، مشهور به امیراعلم (۱۲۵۵-۱۳۴۰ خورشیدی)، دانش‌آموخته رشته پزشکی در اروپا و از بنیان‌گذاران بیمارستان سبک جدید در کشور، اشاره کرد که در خلال جنگ‌های داخلی ایران میان مستبدان و مشروطه‌خواهان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، برای امدادرسانی به مجروحان صورت می‌گیرد.

● مؤسسه خیریه «شیر و خورشید سرخ» در مشهد

امیرخان امیراعلم پیش‌گام مایه‌کوبی آبله در ایران و بنیان‌گذار جمعیت خیریه شیر و خورشید سرخ است. او که از طرف احمدشاه به سمت طبیب حضور همایونی و ریاست مجلس حفظ‌الصحه دولتی منصوب شده، در سال ۱۲۹۶ خورشیدی

به مشهد می‌آید و بیمارستان مخروبه حضرتی را با درآمد مطب شخصی خود ترمیم و تجهیز می‌کند. او همچنین در دوره چهارم مجلس شورای ملی این مجلس به مدت یک‌ماه و نیم (۲۹ مرداد تا ۱۵ مهر ۱۳۰۰) نایب‌رئیس مجلس نیز می‌شود و از ۱۶ مهر ۱۳۰۰ هم به‌عنوان وزیر معارف (فرهنگ) به دولت قوام‌السلطنه می‌پیوندد و از مجلس می‌رود. امیراعلم در این دوره وزارت، اداره‌کل صحیه را زیرنظر وزارت معارف می‌برد.

پس از وزارت، امیراعلم تلاش خود را بر راه‌اندازی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران متمرکز می‌کند و نهایتاً موفق می‌شود پس از هفده ماه تلاش، این جمعیت را در خرداد سال ۱۳۰۲ راه‌بندازد و خود نیابت ریاست آن را به عهده بگیرد. پس از شکل‌گیری جمعیت ایران، امیراعلم توجه خود را به دیگر شهرها معطوف می‌کند و چندروز بعد از آنکه این جمعیت را در تربت (حیدری) شکل می‌دهد، مؤسسه خیریه شیر و خورشید سرخ مشهد را در میانه مهر ۱۳۰۲ راه می‌اندازد.



شنبه ۴

۱۴ آذر ۱۴۰۳
۲۴ شهریور ۱۳۹۹

۱۵



تاریخ و هویت

نخستین چاه آب در حرم مطهر رضوی

درباره اینکه اولین چاه آب در حرم مطهررضوی چه زمانی حفر شده، حرف و حدیث زیاد است. برخی می‌گویند نخستین بار بعد از اشغال ایران در شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی، روس‌ها چاه عمیقی در نزدیکی میدان دقیقی (فلکه آب امروزی) حفر کرده‌اند و چون خوب از آب درآمده و نیازهای مردم را رفع کرده است، مسئولان وقت آستان قدس پیشنهاد حفر چاه در محدوده حرم مطهررضوی را به نیروهای شوروی ارائه داده‌اند؛ به این ترتیب، نخستین چاه آب در حرم رضوی، حدود سال ۱۳۲۴ خورشیدی، در صحن موزه (رواق امام خمینی ^(۱) فعلی) حفر شده است. راویان این گزارش معتقدند که «نخستین بار روس‌ها در حرم مطهررضوی چاه حفر کردند و این چنین بود که برای اولین بار از ظرفیت آب زیرزمینی برای رفع نیازهای آبی زائران استفاده شد.»

هرچند که این روایت، روایت اشتباهی نیست، اما آوردن قید «نخستین» برای آن ناصواب به نظر می‌رسد. نگاهی به اسناد، عکس‌ها و نقشه‌های قدیمی حرم مطهررضوی که عموماً مربوط به دوره قاجار و میانه عصر ناصری است، نشان می‌دهد که استفاده از چاه برای تأمین آب حرم مطهر از مدت‌ها قبل متداول بوده است. عکسی از مسجد گوهرشاد در دوره قاجار وجود دارد که در آن، در ضلع جنوبی محدوده‌ای که به «مسجد پیرزن» شهرت داشته است، اتاقکی چوبی به چشم می‌خورد؛ اتاقکی که پس از تطبیق مکانی‌اش با نقشه حرم مطهررضوی در کتاب «مطلع الشمس» معلوم می‌شود که در واقع محل چاه آب مسجد گوهرشاد است؛ چاهی که هنگام بی‌آبی، از ظرفیت آن برای تأمین آب موردنیاز زائران و نمازگزاران استفاده می‌شده است.

قرار گرفتن دهانه و چرخ چاه در محفظه چوبی، شاید به این دلیل باشد که دسترسی عمومی به منبع آب را محدود و اسباب بهداشت و امنیت را در این زمینه فراهم کنند. می‌دانیم که در عرضه آب آشامیدنی توسط سقاها و به‌وسیله سنگاب‌ها نیز حداکثر تلاش می‌شده تا آب با واسطه به دست افراد برسد و آن‌ها مستقیماً به منبع اصلی دسترسی نداشته باشند.

با توجه به این مسئله، باید حفر نخستین چاه‌های آب در حرم مطهررضوی را مربوط به مدت‌ها قبل از سال ۱۳۲۴ خورشیدی بدانیم. اینکه چرا با وجود آگاهی از چاه مسجد گوهرشاد و شاید وجود چاه در مکان‌های دیگر حرم مطهر، ادعای حفاری روس‌ها در صحن موزه حفر نخستین چاه آب در نظر گرفته می‌شود، شاید در این مسئله ریشه داشته باشد که آن چاه، یعنی چاه صحن موزه، نخستین چاه عمیق حفر شده در حرم مطهررضوی بوده است؛ به‌هر حال، با گذشت زمان، شیوه‌های تأمین آب موردنیاز در حرم مطهررضوی هم تغییر کرده و در دهه‌های بعد، از انشعاب آب شهری برای این کار استفاده شده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حرم مطهررضوی چهارده انشعاب آب شهری داشته است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به سه انشعاب اصلی آب تبدیل شده است؛ انشعابات که از مسیر بالاخیابان، پایین خیابان و خیابان تهران (امام‌رضا^(۲)) آب موردنیاز حرم مطهررضوی را به این مکان مقدس می‌رسانند.

